

بچه ها در جشن نیکوکاری

۴۰

هدیه های شادی بخش

اخلاق
سینما رفتن

۸

یک قل دو قل

۱۶



به خودت قول بده

بعد از نام و یاد خدای بزرگ و مهربان و تسلیت سالروز شهادت امام حسن عسکری (ع)، امام یازدهم ما مسلمانان، سلام می‌کنیم به شما دوستان خوب و اهل مطالعه‌ی کوله‌پشتی. امیدواریم که مثل همیشه سالم و پرانرژی باشید و توانسته باشید از اوقات فراغت در تعطیلات تابستانی به بهترین شکل استفاده کنید.

بچه‌های عزیز، حتماً می‌دانید که فقط دو هفته‌ی دیگر تا پایان تعطیلات تابستانی شما باقی مانده است. خیلی هایتان لباس‌های فرم مدرسه‌تان را تهیه کرده‌اید و بعضی هایتان هم در فکر آماده کردن کم و کسری‌های نوشت افزار مثل دفتر، خودکار و کیف و کفش مدرسه هستید.

بله دوستان، مدرسه منتظر شماست و زمان به سرعت برق می‌گذرد و این دو هفته هم مثل بقیه‌ی روزهای دیگر تمام می‌شود، اما یک نکته مهم را نباید هیچ وقت فراموش کنیم و آن این است که همیشه با تصمیم‌های مناسب و درست باید از لحظه‌هایمان به خوبی استفاده کنیم تا بعداً پشیمان نشویم.

بیایید در همین لحظه به خودمان قول بدهیم که در سال تحصیلی جدید هر درس را سر ساعت خودش یاد بگیریم و اگر قسمتی از درس را نفهمیدیم، حتماً از معلم یا هم‌کلاسی‌مان که جواب درست را بلد است، پرسیم تا درس‌ها روی هم تلنبار نشود و زمان امتحان مضطرب و نگران نشویم.



فهرست

- خوردنی‌های مفید ۱۱
- یک سنگ کوچک ۲۱
- سبد همه‌کاره‌ی بازیافتی ۳۱
- هدیه‌های شادی بخش ۴۱
- در کنار شاعران بزرگ ایران ۶۱
- بگرد و پیدا کن ۷۱
- اخلاق سینما رفتن ۸۱
- اربعین بر بوم نقاشی ۱۰۱
- داروی سرماخوردگی ۱۲۱
- ۲ کتاب خواندنی ۱۳۱
- دوست امام زمانیان باشیم ۱۴۱
- یک قل دو قل ۱۶۱

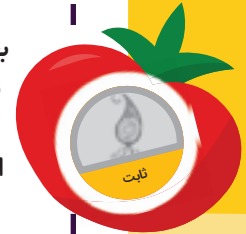
صاحب‌امتیاز:
شهر داری مشهد
مدیر مسئول:
سید میثم موسوی مهر
سر دبیر:
سید سجاد طلوع هاشمی
دبیر ضمانت:
ارژنگ حاتمی
دبیر کوله‌پشتی:
طیبه سادات ثابت
گرافیک و صفحه‌آرایی:
ملک جمعی

پست الکترونیک:
sabet@shahrara.com
نشانی سایت:
shahraranews.ir/fai/kids
نشانی: ۰۹۰۵۴۶۵۸۰۶۰
روانسان روزنامه: ۰۹۰۵۴۶۵۸۰۶۰
نشانی: خیابان کوهسنگی
ابتدای کوهسنگی ۱۵
توزیع و امور مشترکین:
۳۷۲۸۸۸۸۱-۵
۰۵۱-۳۷۲۸۸۸۸۱-۵
داخلی ۴۷۱ و ۴۷۲



خوردنی‌های مفید

بچه‌های عزیز، اگر می‌خواهید همیشه سالم و پرانرژی باشید و هیچ‌وقت بیمار نشوید، از خوردن فلفل دلمه و نخود سبز (نخودفرنگی) در غذاهای روزانه‌تان غافل نشوید. شاید برایتان جالب باشد که بدانید این دو خوراکی گیاهی سرشار از ویتامین‌ها و مواد معدنی لازم برای بدن ماست.



نخود سبز:

این دانه‌ی سبزرنگ گیاهی که به نام نخودفرنگی هم از آن یاد می‌شود، در بسیاری از غذاها و سالادها استفاده می‌شود، اما بعضی بچه‌ها آن‌ها را کنار می‌گذارند و نمی‌خورند که این کار اشتباهی است. نخود سبز با داشتن ویتامین‌های A، B، C، D، K و مواد معدنی مثل روی، پتاسیم و منگنز از بیماری‌های چشمی، قلبی، مفصلی و استخوانی جلوگیری می‌کند.

خوب است بدانید نخود سبز حاوی مقدار زیادی آهن است که ایمنی بدن ما را بالا می‌برد و قادر می‌سازد تا علیه بیماری‌ها مبارزه کند و سالم بماند.

فلفل دلمه‌ای:

فلفل دلمه‌ای که به رنگ‌های سبز، قرمز و نارنجی در بازار دیده می‌شود، به دلیل داشتن ویتامین C برای درمان سرماخوردگی مفید است و از ایجاد عفونت جلوگیری می‌کند.

آهن و فولات موجود در فلفل دلمه‌ای برای درمان کم‌خونی ناشی از فقر آهن بسیار مفید است. همچنین ویتامین A موجود در فلفل دلمه‌ای باعث تقویت سیستم ایمنی بدن ما می‌شود.

پس بچه‌های عزیز، با مصرف فلفل دلمه‌ای که ویتامین A در آن اندازه‌ی آب هویج است، از چشم‌هایتان مراقبت کنید.

مطالعات دانشمندان تغذیه نشان می‌دهد که مصرف فلفل دلمه‌ای نارنجی و قرمز می‌تواند از التهاب مفصل‌ها و عضله‌ها جلوگیری کند. علاوه بر این، مواد مغذی موجود در سبزیجات می‌تواند عوامل مربوط به حساسیت‌های فصلی را از بین ببرد.



“

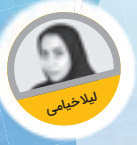
یک سنگ کوچک



وقتی رسیدیم
ما به خیابان
او ماند آنجا
آرام و خندان

خندید آن سنگ
تق تق صد داد
از خنده ی او
من هم شدم شاد

در کوچه دیدم
یک سنگ خوشگل
با پایم او را
هی دادمش قل



“





کاردستی

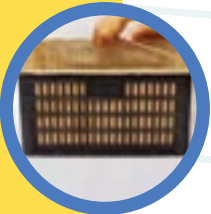


طاهره عرفانی

سبد همه‌کاره‌ی بازیافتی

چطوری درست کنیم؟

دوست دارید دیگر دنبال مقنعه یا روسری یا شال یا جوراب هایتان نگردید؟ پس دست به کار شوید. در همه‌ی خانه‌ها سبد میوه در اندازه‌های مختلف پیدا می‌شود. برای این کاردستی باید همان اول کار، داخل سبدتان را گونی بچسبانید. سپس چند لایه نخ کاموا را به هم ببافید. خوب، این نوار بافته شده را دور تا دور دهانه‌ی سبد بچسبانید. نوبت می‌رسد به دسته‌ی سبد. برای دسته‌ی سبد، سیمی را از دو طرف سبد عبور دهید. یادتان نرود که دور آن رانخ گونی بپیچید. حالا کارتن را باز کنید. به اندازه‌ی طول سبد مستطیل‌های کوچک رانخ گونی یا طناب این مرحله باید دور تا دور این مستطیل‌های کوچک رانخ گونی یا طناب یا کاموا بپیچید. حالا آن‌ها را با کمک یک بزرگ‌تر با دقت و تمیز دور سبد بچسبانید. بین مستطیل‌های چسبانده شده هم طناب یا کاموای ضخیم یا بافته‌ی نخ گونی بچسبانید. ببینید چه زیبا سبد همه‌کاره‌ی شما آماده است.



چی لازم داریم؟

سبد میوه

چسب حرارتی

نخ گونی یا طناب یا کاموای ضخیم

گونی

قیچی

کارتن





بچه ها در جشن نیکوکاری

هدیه های شادی بخش

و دفتر ندارند.» مینا دستی روی دفترهای نو و قشنگ کشید و گفت: «چه عالی! پس من هم بسته ی مدادرنگی جدیدی را که برای امسال خریدم، هدیه می دهم.» مریم با تعجب گفت: «مگر مدادرنگی ها را برای مدرسه نخریده بودی؟!» مینا درحالی که در کمدش را باز می کرد، جعبه ی مدادرنگی های قدیمی سال قبلش را بیرون آورد و گفت: «من هنوز این ها را دارم. اگر مواظبشان باشم، تا آخر سال مدادرنگی جدید لازم ندارم.» مریم لبخندی زد و به جعبه ی مدادرنگی نگاه کرد و گفت: «چه خوب! حالا بیا برویم دوتا کاغذکادوی قشنگ بخریم. باید هدیه هایمان را کادو کنیم.» مینا بلند شد و همراه مریم به راه افتاد. خیلی طول نکشید که بچه ها بادوتا کاغذکادوی قشنگ برگشتند و هدیه هایشان را در کادو پیچیدند و رویش نوشتند از طرف یک دوست. بعد هم با هدیه های کادوشده و قشنگ جلوی در مسجد رفتند. ستاره هم آمده بود. یک هدیه با خودش آورده بود که با کادوی زیباتوی پلاستیک بود. خیلی از بچه های دیگر محل هم آمده بودند. هر کدام یک کادوی قشنگ دستشان داشتند؛ یکی کتاب داستان آورده بود، یکی جوراب، یکی دفتر و یکی مدادرنگی و... بچه ها یکی یکی جلو می رفتند و هدیه هایشان را به آقای صالحی، خادم مسجد که مسئول جمع کردن هدیه ها بود، می دادند و از ظرف بزرگ روی میز یک شیرینی برمی داشتند. مریم و مینا وقتی هدیه هایشان را روی میز کنار بقیه ی هدیه ها

همه همیشه جشن ها را دوست دارند. مریم و مینا هم شرکت در جشن را دوست داشتند. «جشن نیکوکاری» بود و آن ها دلشان می خواست در جشن شرکت کنند، اما چطوری؟!

مریم گفت: «ستاره دوستم، خودش دیده. یک کاغذ بزرگ زده اند جلوی در مسجد و رویش نوشته اند: بیا بید در جشن بزرگ نیکوکاری شرکت کنید.» مینا فکری کرد و گفت: «حالا چه جوری باید در جشن شرکت کنیم؟» بچه ها تصمیم گرفتند بروند و از مادر بپرسند. مادر وقتی ماجرا را شنید، لبخندی زد و گفت: «کار سختی نیست. فقط باید یک کمی مهربان و به فکر بقیه باشید.» مینا با تعجب پرسید: «چه جوری به فکر بقیه باشیم؟» مادر با مهربانی به مینا نگاهی انداخت و گفت: «مثلاً یک هدیه ی کوچولو با خودتان ببرید.» بعد همان جور که عینکش را روی چشمش جابه جایی کرد، ادامه داد: «جشن نیکوکاری جشنی برای مهربانی کردن است. حتماً بچه های نیازمند از این هدیه ها خوش حال می شوند.» بچه ها که حالا فهمیده بودند چطوری باید در جشن شرکت کنند، از مادر تشکر کردند و دویدند سمت اتاقشان. مریم با عجله چند تا از دفترهای جدیدی را که برای شروع سال تحصیلی خریده بود، از کمد بیرون آورد و گفت: «من می خواهم چند تا از دفترهای جدیدم و مدادهایم را کادو کنم و هدیه بدهم. حتماً بچه هایی هستند که مداد





به شیرینی زد و لبخند زنان به مینا گفت: «به به، عجب شیرینی خوش مزه‌ای! عجب جشن قشنگی!» بعد هم به بقیه‌ی بچه‌ها نگاه کرد. بچه‌ها همه خوش حال بودند و شیرینی می‌خوردند و لبخند می‌زدند. خب روز جشن بود دیگر، روز جشن نیکوکاری.

گذاشتند، به آقای صالحی سلام کردند و گفتند: «این هم هدیه‌ی ما برای جشن نیکوکاری.» خادم مسجد لبخندی زد و گفت: «به به، عجب هدیه‌های قشنگی! بفرمایید شیرینی بردارید.» مریم و مینا هر کدام یک شیرینی برداشتند. مریم یک گاز



درکنار

شاعران بزرگ ایران



اگر شما هم به بازی‌هایی علاقه‌مند هستید که فکرتان را به کار می‌اندازند و اطلاعات عمومی‌تان را بالا می‌برند، پیشنهاد می‌کنم که با بازی این هفته آشنا شوید.

بازی امروز ما یک بازی ایرانی جذاب و سرگرم‌کننده به نام «متن‌آرا» است.

در این بازی، نقش شما این است که کتاب‌های شعر قدیمی را ویرایش کنید و بخش‌هایی از آن‌ها را که محو شده‌اند، دوباره بنویسید. این بازی شما را با شاعران قدیمی و نامدار ایران و سایر کشورها آشنا می‌کند. همچنین دایره لغات شما را زیاد می‌کند.

از نقاط قوت این بازی می‌توان به وجود بیش از هزار پازل و مرحله‌ی متنوع و همچنین بیش از بیست کتاب دسته‌بندی شده از اشعار قدیمی از جمله «دیوان حافظ» و «رباعیات ختّام» اشاره کرد.



اسکن کنید

همین حالا کد روبه‌رو را
با دوربین گوشی اسکن کنید
و وارد دنیای جذاب اشعار ایرانی شوید.





تفاوت‌ها در زیر دریا

بچه‌های عزیز! با کمی دقت و ریزبینی می‌توانید حواس بینایی‌تان را تقویت کنید. حالا حواستان را جمع کنید و ۸ تفاوت را در این قسمت از دریاچه پیدا کنید.



شروع

۱

بچه ها قرار است به سینما بروند. با آن ها همراه شو تا یاد بگیري در سینما باید چطور رفتار کنی. تاس بریز و شروع کن.



۲



چرا این قدر از سر جای بلند می شوی؟! بقیه نمی توانند فیلم ببینند. ۲ خانه به عقب برگرد.

وای! فراموش کردی بلیت بخری. یک بار تاس نریز و برو بلیت بخر. به خانه ی شروع برگرد.



آفرین که ساکت می نشینی تا فیلم را ببینی! خوب است موقع فیلم دیدن سکوت کنی. بی سروصدا ۲ خانه جلو برو.

چرا پوست خوراکی را روی زمین انداختی؟! یک خانه به عقب برگرد و پوست خوراکی را بردار.

چرا

داری همه ی فیلم را تعریف می کنی؟! اجازه بده دوست خودت فیلم را ببیند. یک بار تاس نریز.



شرح بازی:

برای این بازی به یک تاس و به تعداد بازیکنان مهره نیاز داریم. بازی با تاس شش شروع می شود. برنده کسی است که زودتر مسیر را طی کند و به نقطه ی پایانی برسد. هدف این بازی آموزش نکات مهمی است که بچه ها باید موقع رفتن به سینما رعایت کنند؛ اینکه چطور رفتار کنند و چطور تماشاچی های خوبی باشند.



عباسعلی سباهی
نویسنده

اخلاق سینما رفتن

چرا این همه خوراکی با خودت آوردی؟! به جای این همه خوراکی خوردن یک بار تاس نریز و کمی فیلم ببین.



السلام عليك يا ضامن آهو

السلام عليك يا حسين [ع]



برترین‌های «زیارت رنگ‌ها»
روایت می‌کنند

اربعین بر بوم نقاشی



شبنم کرمی

سفر، معمولاً شادی‌آور و لذت بخش است، اما بعضی سفرها ویژه هستند؛ مانند پیاده روی اربعین. امسال بعضی از دوستان شما با اینکه موفق نشدند به کربلا بروند، با چشم دلشان این سفر ناب را به تصویر کشیده‌اند. شهرزاد منافی آزاد، دانش آموز پایه ی هفتم مدرسه ی امام حسین (ع) و دلارام محسن پور، نه ساله و دانش آموز کلاس سوم دبستان المهدی (عج) جزو برگزیدگان اولین مسابقه ی نقاشی با نام «زیارت رنگ‌ها» هستند. هدف این مسابقه روایتگری نوجوانان و کودکان مشهدی از پیاده روی اربعین در مشهد است. گفت وگویی ما را در ادامه می‌خوانید.



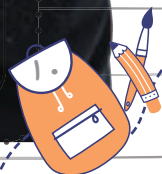
کشیدن چهره ی شهدا

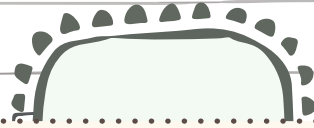
شهرزاد درباره ی توانایی هایش می‌گوید: در رشته های نقاشی و شنا در حال گذراندن مراحل آموزش هستم. در زمینه ی چهره ی سیاه قلم، به شکل ویژه کار کرده‌ام، به طوری که می‌توانم چهره ی شهدای عزیزمان را نقاشی کنم. در درس‌هایم موفق هستم و علاقه مندم در آینده یک داروساز هنرمند موفق شوم.

همچنین دوست دارم بتوانم برای کشور مفید باشم. او از پدر و مادر و مربی اش (خانم سارا شاهرخ زاده) که او را راهنمایی و حمایت کرده‌اند، قدردانی و اضافه می‌کند: تاکنون قسمت نشده است به زیارت امام حسین (ع) بروم، اما خیلی دوست دارم وقتی بزرگ‌تر شدم و توانستم درک بهتری از زیارت داشته باشم، این سعادت نصیبم شود.

نمایش عشق جاودانه

شهرزاد منافی آزاد می‌گوید: به دلیل اینکه در مدرسه درباره ی مراسم مذهبی نقاشی‌های مختلفی کشیده بودم، مدیر مدرسه‌مان مرا به فرهنگ سرای گفت وگو برای شرکت در این مسابقه معرفی کرد که به لطف خدا مقام دوم را کسب کردم. او درباره ی هدفش از شرکت در این مسابقه توضیح می‌دهد: قصد داشتم نشان دهم شیعیان به خاطر عقایدشان و زیارت امام حسین (ع) سختی به جان می‌خرند و با پای پیاده به کربلا می‌روند تا نشان دهند که عشق و علاقه ی آنان به امام و راهش همیشه جاودانه است.





در آرزوی کربلا

این هنرمند کوچک اضافه می‌کند: در درس موفق هستم و مدرسه‌ام را خیلی دوست دارم و از معلم‌ها و مربیانم خیلی تشکر می‌کنم. تصمیم دارم درسم را ادامه بدهم و به دانشگاه هنر بروم.

به دوستانم نیز پیشنهاد می‌کنم به جای اینکه ساعت‌ها مشغول بازی با موبایل باشند، بازی‌های واقعی و فکری کنند، کتاب بخوانند و با دوستان و خانواده‌شان وقت بگذرانند. همچنین از محیط زیست و طبیعت محافظت کنند و یادگیری یک هنر یا مهارت را دنبال کنند.

او خانواده را مهم‌ترین مشوق خودش می‌داند و از مربیان مدرسه که حمایتش کرده‌اند نیز تشکر می‌کند. دلارام می‌گوید: تا به حال به پیاده‌روی اربعین نرفته‌ام، اما روزهای عاشورا یا اربعین همراه پدر و مادر و خواهرم پیاده به حرم امام رضا(ع) می‌رویم. این حال و هوا را خیلی دوست دارم و دلم می‌خواهد قسمت شود همراه خانواده‌ام به پیاده‌روی اربعین و زیارت حرم امام حسین(ع) در کربلا بروم.



حال و هوای پیاده‌روی اربعین

دلارام محسن پور، کودک هنرمندی که مقام اول گروه سنی کمتر از پانزده سال «زیارت رنگ‌ها» را به دست آورده است نیز می‌گوید: پدرم آگهی مسابقه را در کانال «مردم نگار» دید و مرا به شرکت در آن و رقابت با نوجوانان تشویق کرد. تصاویر پیاده‌روی اربعین را در تلویزیون دیده بودم و همچنین روزهای عاشورا همیشه خانوادگی همراه دسته‌های عزاداری به حرم امام رضا(ع) می‌رویم. کمی از مادرم برای ایده‌ی اولیه کمک گرفتم و شروع به طراحی کردم. سعی کردم حال و هوای پیاده‌روی و موبک‌ها را به تصویر بکشم و حضور افرادی در سنین مختلف را نشان دهم.

برای امام حسین(ع)

او ادامه می‌دهد: به تصویرگری ذهنی و نقاشی بسیار علاقه مندم و شرکت در هر رقابتی برایم لذت بخش است، به ویژه این موضوع که تا به حال در این زمینه کار نکرده بودم و دوست داشتم برای امام حسین(ع) کاری انجام دهم. دلارام می‌گوید: از زمانی که به یاد دارم، در خانه وسایل نقاشی در دسترسم بوده است. البته تاکنون در هیچ کلاس آموزشی شرکت نکرده‌ام و تصویرگری‌هایم کاملاً ذهنی هستند. پیشنهادهایی برای تصویرگری داستان‌های کودکان داشته‌ام و در مدرسه، امسال و سال پیش رتبه‌ی اول ناحیه را در طراحی و نقاشی کسب کردم. البته خواهر کوچک‌تر هم امسال رتبه‌ی دوم ناحیه شد.





داروی سرماخوردگی



میلااد سرما خورده بود و حالش خوب نبود. مادر هم برای اینکه حال میلااد زودتر خوب شود، یک سوپ خوش مزه و مقوی درست کرد. او مقداری سیب زمینی و هویج را خرد کرد و توی قابلمه ریخت تا آب پز شود. بعد از اینکه مواد پختند، مقداری جو پرک به مواد اضافه کرد و کمی نمک و فلفل و رب گوجه هم اضافه کرد. وقتی مواد کمی پختند، مقداری گشنیز را ریز و به مواد اضافه کرد. بعد از چند دقیقه که همه ی مواد با هم پختند، سوپ آماده شد.

میلااد سوپ مادرش را خیلی دوست داشت. سوپ را خورد و در خانه استراحت کرد تا حالش خوب شود.

بچه ها! وقتی سرما می خورید، سوپ یک غذای خوب و مفید برای بدنتان است. گشنیز هم از سبزی هایی است که خاصیت زیادی دارد و کمک می کند مازودتر حالمان خوب شود.

چی لازم داریم؟

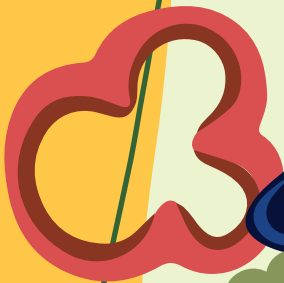
جو پرک، ۳ قاشق غذاخوری

هویج، یک عدد

سیب زمینی، یک عدد

گشنیز، به اندازه ی لازم

نمک و فلفل و رب گوجه، به میزان لازم





کتاب خواندنی



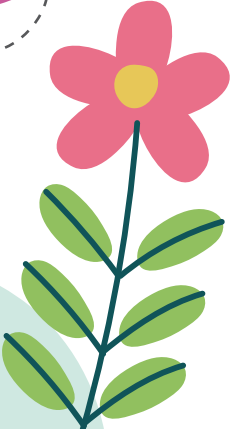
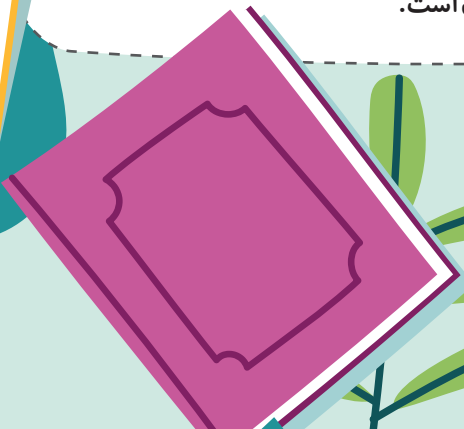
اگر شما هم به ماجراجویی علاقه مندید، پیشنهاد می‌کنم کتاب «مدادشیمی‌های نیلوفر» را مطالعه کنید. این کتاب درباره‌ی دختری به نام نیلوفر است که دوست دارد به سرزمین درون نقاشی‌هایش سفر کند! او یک روز تصمیم می‌گیرد که پیرد داخل نقاشی، اما نمی‌شود. نیلوفر خیلی غمگین می‌شود که چرا نمی‌تواند به درون نقاشی‌ها سفر کند تا اینکه یک فکر عالی به ذهنش می‌آید. اگر می‌خواهید بدانید چه فکری؟ حتماً این کتاب را بخوانید. این کتاب برای کودکان ۷ تا ۱۰ سال مناسب است.

نام کتاب: مدادشیمی‌های نیلوفر
نویسنده: رفیع افتخاری
سال نشر: ۱۴۰۱
ناشر: انتشارات یک دانه



تا به حال فکر کرده‌اید جیغ‌هایی که بچه‌ها سرگرفتن وسایل، نخوردن غذا و داد و هوارهای زمان بازی می‌کشند، از کجا می‌آید؟ آیا آن‌ها هم برای خودشان سرزمین و شهر دارند؟ دختر داستان ما که خیلی جیغ می‌زند، یک روز متوجه می‌شود که جیغ داخل گلویش دارد بزرگ‌تر می‌شود؛ بزرگ‌تر و بزرگ‌تر! دخترک حالا باید چه کار کند تا جیغش اندازه‌ی قبل شود؟ اگر شما هم دوست دارید ادامه‌ی داستان را متوجه شوید، پیشنهاد می‌کنم کتاب «جیغ» را مطالعه کنید. این کتاب مناسب ۷ تا ۱۰ سال است.

نام کتاب: جیغ
نویسنده: محمد حسن حسینی
سال نشر: ۱۴۰۱
ناشر: انتشارات یک دانه





دوست امام زمانمان باشیم

فردا شهادت امام حسن عسکری (ع) و آغاز امامت امام زمان (عج) است. بچه‌ها! می‌دانید که امام زمان (عج) در غیبت هستند و ما منتظر ظهور ایشان هستیم؟ همان طور که وقتی یک مهمان عزیز قرار است به خانه ما بیاید و ما هر کاری برای پذیرایی از او می‌کنیم، در زمان انتظار امام زمان (عج) هم می‌توانیم کارهایی انجام دهیم که امام خوش حال شوند. حتماً می‌پرسید از دست ما بچه‌ها چه کاری برمی‌آید؟



مرجان اسماعیلی

اسراف نکنیم.



۱
مونا جان! من می‌رم خرید. هرچی برای مدرسه‌ها لازم داری بگو که قبل از شروع مدرسه برات بخرم.

۲
بعضی از وسایل پارسل‌ها هنوز نوهستن. می‌تونم از شون برای امسال هم استفاده کنم. نیازی نیست همه چی بخرید.

با دیگران مهربان باشیم.



۱
سحرجان! هوا گرمه بیا این لیوان شربت رو نوش جان کن!

۲
مامان این شربت رو می‌برم برای آقای پاکبان که توی کوچه ست. من بعداً می‌خورم.

حق دیگران را ضایع نکنیم.



۱
پسر جان! نوبت منه.

۲
حق با شماست، شما زودتر از من اومده بودید. من حواسم نبود. ببخشید!



تمیز و مرتب باشیم.

آره
مدرسه ها که شروع
بشه توی این
شلوخی نمی شه
درس خوند.

امروز باید
اتاقمون رو حسابی تمیز
کنیم. خیلی کثیف و
به هم ریخته است. نباید
بذاریم این چوری
بشه.



به نیازمندان کمک کنیم.

امسال با چند
نفر از دوستان می خواهیم
برای بچه های نیازمند
لوازم تحریر بخریم.

من هم
دوست دارم کمک
کنم. هر چا لازم بود،
بهم بگید بابا.

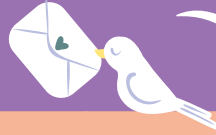


از شهرمان مراقبت کنیم.

امید! خرابش
می کنی، این قدر
نچرخونش! این وسیله ها
مال همه ست. نباید
خرابشون کنیم تا بقیه هم
بتونن استفاده کنن.



یک قل دو قل

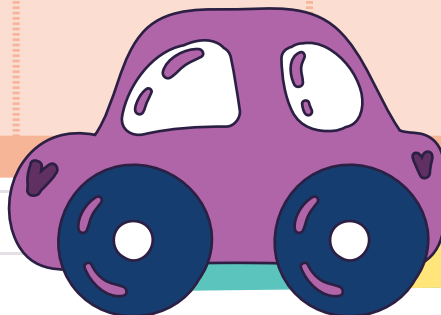


اسم من ... ببخشید من که به نفر نیستم، باید اسم دو تامون رو بگم. قبل از اینکه با تعجب پرسید چرا، خودم می‌گم. ما دوقلویم. دوقلو بودن دنیای خیلی جالب، قشنگ و متفاوتیه. دوقلوها ممکنه که شکل هم باشن و اخلاق شبیه به هم داشته باشن. ممکن هم هست که مثل ما باشن که دوقلوهای غیرهمسانیم؛ یعنی دوقلویم، اما از نظر چهره و رفتار شکل هم نیستیم. باورتون می‌شه ما علاقه مندی‌ها و اخلاق هامون با هم خیلی فرق داره؟ اما یک نقطه‌ی مشترک داریم. اگه گفتین اون چیه؟

اسم من محمد صادق واسم داداشم محمد حسینه.
ما همیشه توی یه مدرسه و یه کلاس هستیم. امسال
می‌ریم کلاس پنجم.



من و داداشم دو برادر دیگه هم داریم که از ما
بزرگ‌ترن. ما همیشه توی بعضی کارهای خونه به مامان
و بابامون کمک می‌کنیم. مثلاً من خونه رو جارو می‌کنم.



داداشم کارهای بیرونی رو دوس داره، مثلاً اینکه بره خریدهای کوچیک آشپزخونه رو انجام بده، میوه، تخم مرغ، ماست، شیر و... بخره.



حالا وقتش رسیده از تفاوت های این قُل ها بگم. من عاشق مدّاحی ام.



داداشم اما عاشق فوتبال و بازیگریه.



اما هر دو مون یک اخلاق با مژه و جدّی داریم که اصلاً هم شوخی و طنز نیست. می دونید اون اخلاق چیه؟ ما اگه با هم نباشیم و یکی خوراکی تعارف کنه، همیشه دوتا برمی داریم. بله، یکی هم برای اون یکی مون!



